

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

عطا خلقي

DECEMBER 03, 2008

http://www.azadi-b.com/M/2008/12/post_190.html

بیکاری، مهمترین پیامد اصلی بحران!

همانطور که پیش بینی میشد بحران جهانگیر اخیر از مالی به تولیدی شیفست کرده است. کشورهای صنعتی یکی بعد از دیگری آغاز دوره رکود خود را اعلام میکنند. مراکز تولیدی صنایع یکی بعد از دیگری تعطیل و یا نیمه تعطیل میشوند. نرخ بیکاری جهانی در کشورهای صنعتی سرعت بالا میروند. هر دم اخبار تازه تری از بیکارسازی ها بگوش میرسد. موج اول بیکارسازیهایی از کشورهای صنعتی پیشرفته برخاسته اند. بزودی قرار است این امواج هر جا و همه جا را درنوردند و زیر رسوبات خود زندگی میلیونها انسان را مدفون کنند.

شتاب بیکارسازیهایی آنقدر سریع است که تحلیل گران اقتصادی قادر نیستند با قاطعیت آمارش را اعلام کنند. آمارها روز بروز و بعضا لحظه به لحظه بالا می گیرند. تحلیل گران ناچارند با احتیاط کامل تخمین بزنند و تخمین هایشان را دم به دم دستکاری و به روز کنند.

علیرغم تدابیر صاحبان سرمایه و بکارگیری کلیه امکانات دولتی و نشست ها و مذاکرات پی در پی برای مهار کردن بحران عظیم اقتصادی جاری، بیکارسازیهایی بعنوان اولین و مهم ترین پیامدهای آن ؛ با شتاب هر چه بیشتری پیش می تازد.

حاصل این نشست ها و این مذاکرات هر چه باشد جلودار امواج بیکارسازیهای ناشی از بحران اخیر نیست. نه نشست وزرای خارجه ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا با رییس جمهور جدید آمریکا، نه نشست رهبران ۲۰ کشور صنعتی و در حال توسعه جهان موسوم به G 20 در واشنگتن و نه پیشنهاد تاسیس هیئت ویژه ای که بر عملکرد ۳۰ بانک بزرگ سرمایه گذار بزرگ دنیا و نه بسته نجات ملی، شتاب بیکارسازیها را که امواجش جاری است مانع نمیشود. پروسه بیکارسازیها بی اعتنا به هر اقدام "پیشگیرانه" دولتها، با شتابی باور نکردنی پیش میرود.

گذشت آن دورانی که کانالهای تلویزیونی و صفحاتی از روزنامه های آمریکای شمالی و اروپا به اشکال جذاب و فریبنده ای انواع مشاغل را تبلیغ می کردند، حتی در دیوار فروشگاه ها و مغازه ها هم پوشیده از آگهی های استخدام بود. اکنون دیگر از آن آگهی های دلفریب خبری نیست. بر عکس حجم زیادی از برنامه های تلویزیونی و صفحات زیادی از روزنامه ها میزان بیکارسازیهای وسیع و تعطیل مراکز کار را شماره می کنند.

کارگزاران دولتی و کارشناسان اقتصادی یکی یکی در تلویزیون ها ظاهر میشوند و اعلام میکنند که سرعت سرازیری کشورهای متبوعشان به یک رکود همه جانبه اقتصادی و تولیدی در این حد، خارج از انتظار و پیش بینی آنها بوده است.

بر اساس تحلیل ها و اخبار و گزارشات و مشاهدات روزمره، صف اول قربانیان امواج بیکاری در کشورهای صنعتی و پیشرفته و از میان کارگران بخشهای صنایع اتومبیل سازی، ساختمانی، بانکها و موسسات مالی، توریسم و گردشگری، و بخشهای خدمات عمومی می باشند. نمونه های زیر ابعاد این بیکارسازیها را که می رود تا کل جهان را درنوردد گویاتر خواهد کرد:

کارخانه ولو (VOLVO) یک چهارم کارگرانش را بیکار کرده است و بسیاری از کارگران این کارخانه و واحدهای تابعه اش برکه پایان اشتغال دریافت کرده اند. ولو سوید بزودی قرار است مجموعاً ۲۰۰۰ نفر از کارکنانش را در سوید و بلژیک بدلیل کاهش میزان فروش در بازارهای اروپایی، بیکار کند. نرخ بیکاری سوید که تا چندی پیش کمی بیش از ۵.۵٪ بود با بیکار سازیهای اخیر بسرعت رو به افزایش است.

در آمریکا و کانادا کارخانه های اتومبیل سازی فورد و جنرال موتورز بحالت نیمه تعطیل در آمده اند و بسیاری از کارگران این کارخانه های عظیم آخرین هشدار بیکار سازی خود را از مدیریت گرفته اند. تنها در یک شهرک ۳۶۰۰۰ نفری سنت توماس اونتاریو کانادا ۲۰۰۰ کارگر جنرال موتورز کارشان را از دست داده اند. در همین مدت خودروهای ساخت جنرال موتورز ۳۵٪ و فورد ۳۰٪ افت فروش داشته اند. کاهش فروش G M در این حد، ظرف ۶۰ سال اخیر بی سابقه بوده است. شرکت کرایسلر قرار است ۲۵٪ از کارمندان خود را (حدود ۵۰۰۰ نفر) اخراج کند.

بر اساس گزارش رسانه های خبری آلمان شرکت خودروسازی "اوپل" که ۲۶ هزار کارگر دارد به دلیل بحران در شرکت مادر یعنی "جنرال موتورز" آمریکا، برای ادامه فعالیت با مشکلات جدی روبرو است و بیکارسازی وسیعی کارگران این کمپانی را تهدید میکند.

این روزها صحبت از تعطیل موقت چند کارخانه داخلی و خارجی وابسته به شرکت بنز و شرکت رنو در میان است. در کارخانه رنو ۱۰۰۰ فرصت شغلی از بین رفته است.

فروش خودروهای ژاپنی نیز در آمریکا و اروپا بشدت پایین آمده است. شرکت خودروسازی تویوتا، بزرگترین شرکت خودروسازی ژاپن از کاهش ۲۹.۵ درصدی فروش خود در ماه سپتامبر در آمریکا خبر داده بود.

سخنگوی نیسان هم اعلام کرده است که به علت کاهش فروش خودروهای این کمپانی به فکر حذف فرصت شغلی حدود ۲۰۰۰۰ کارگر موقت شاغل در کارخانه های خود است.

نرخ بیکاری تمامی کشورها به نسبت چند ماه اخیر بسرعت بالا میرود. نرخ بیکاری آمریکا به نسبت اوایل سال جاری که کمتر از ۵٪ بود بیش از ۱.۵٪ افزایش یافته و به ۶.۵٪ رسیده است. این حد، از بیکاری از ۱۴ سال قبل تا کنون بی سابقه بوده است.

تعداد بیکاران آمریکا در حال حاضر بیش از ۱۰ میلیون نفر تخمین زده می شود، که به نسبت سال گذشته ۲ میلیون و ۸۰۰۰۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. کارشناسان اقتصادی آمریکا پیش بینی میکنند که بزودی نرخ بیکاری در این کشور از مرز ۷.۵٪ هم خواهد گذشت.

نرخ بیکاری آلمان که در آستانه بحران به ۸.۷٪ رسیده بود و بالاترین رکورد طی ۱۶ سال اخیر را نشان میداد می رود که از این هم بیشتر شود.

بر اساس آمار یک آژانس فرانسوی، سال گذشته فرانسه دارای یک میلیون و ۹۷۰ هزار نفر بیکار بوده است، که بیش از ۸٪ کل جمعیت فعال فرانسه را تشکیل میداد. آمار بیکاری این کشور متأثر از بحران اخیر بیشتر از دو میلیون بیکار را نشان میدهد و می رود که بیشتر و بیشتر هم بشود.

مسولان سازمان بین المللی کار هشدار داده اند که بحران مالی جهانی ممکن است تعداد بیکاران در جهان را ۲۰ میلیون نفر افزایش دهد و تا پایان سال ۲۰۰۹ شمار بیکاران در جهان به ۲۱۰ میلیون نفر برسد.

جورجن المسکوف رییس مرکز مطالعات سیاستهای اقتصادی "سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی" OECD * در مورد وضعیت بیکاری و تورم در کشورهای صنعتی جهان ضمن حفظ حرمت و تقدس بازار آزاد می گوید: "هم اکنون مهمترین مساله موجود در دنیا بی ثباتی و ناامنی اقتصادی است. بی ثباتی اقتصادی سبب شد تا اغلب مشاغل و فرصت های شغلی از بین برود و بر شمار بیکاران افزوده شود. بی ثباتی بازار کار و فضای اقتصادی به دلیل بحران مالی و اعتباری در دنیا ایجاد شد و زمینه را برای رکود اقتصادی اغلب کشورهای جهان به خصوص کشورهای

صنعتی فراهم کرد." وی در گزارش اخیر خود نرخ بیکاری در کشورهای عضو سازمان در سال ۲۰۰۸ میلادی را ۹.۵ درصد برآورد کرده است.

امواج بیکارسازیها فراتر از صنایع و مراکز تولیدی، بیشتر از هر عرصه دیگری کارکنان و کارمندان بانکها و موسسات مالی را در آمریکا و اروپا و دیگر کشورهای صنعتی و پیشرفته نشانه گرفته است. همین چند روز پیش بود (دوشنبه ۱۷ نوامبر) که مدیران بانک "سیتی گروپ" یکی از بزرگترین بانک های آمریکا خبر اخراج ۷۵ هزار کارمند خود را اعلام کرد. این بانک قبلا ۲۰ هزار کارمند خود را بیکار کرده بود و قرار است ۷۵ هزار کارمند دیگر را اخراج کند. از آنجایی که این بانک عظیم در سراسر جهان شعبه دارد، انتظار می رود که شمار زیادی از کارمندان این بانک در سراسر جهان کار خود را از دست بدهند.

اگرچه در گیر و دار این بیکارسازیها، کارگران و کارکنان مراکز صنعتی و بانکها و موسسات مالی، موج اول قربانی ها را تشکیل میدهند؛ اما سنگین ترین تاون ها را کارگران کم تخصص و بی تخصص و مهاجر خواهند پرداخت.

این طیف از کارگران که عمده تا به کارهای خدماتی مشغولند، بیشتر از هر بخش دیگری از کارگران به خیل بیکاران همیشگی پرتاب می شوند. کارگران فنی حرفه ای علیرغم اینکه کارفعلی شان را از دست می دهند، به اعتبار تخصص و مهارتهای فنی شان، هنوز شانس این را دارند که کار دیگری با مزد کمتری گیر آورند.

تاریخا هم بورژوازی از این فرصت ها بهره برداری میکند و از میان انبوه بیکاران، کارگران ماهر تر و متخصص تر را با دستمزدهای پایینی به کار می گیرد. نتیجه این جابجایی ها موجب بیکار شدن بخش وسیعی از کارگران نا متخصص که اساسا مهاجرند میشود.

گو اینکه مصایب ناشی از بیکاری و بیکاری ناشی از بحران گریبان همه را و بیشتر از هر کسی کارگران و اقشار پایینی جامعه را گرفته و خواهد گرفت، اما این مصایب برای کارگران و مزدبگیران آمریکایی و اروپایی که در نتیجه مجموعه عواملی از جمله سنتهای دیرینه مبارزاتی خود، و ساختار اقتصادی قوی کشور هایشان، بدرجه ای صاحب نان و آب و مسکن و خدمات اجتماعی و امنیت شغلی و بیمه بیکاری بوده اند، و نرم زندگی و توقعاتی متفاوت با کارگر و مزدبگیر کشورهای جهان سوم دارند، نه ساده است و نه قابل تحمل.

برای کارگری که تا کنون سفر و تعطیلات و بار رفتن و پارتی دادن و پارتی رفتن و... روتین زندگی اش بوده است، اکنون که قرار است با جاری شدن امواج بیکارسازیها روال زندگی اش بهم ریخته شود و نوع دیگری از زندگی را تجربه کند، نه قابل تحمل است و نه قابل چشم پوشی.

کارگر و کارکن آمریکایی و اروپایی اگرچه همچون هر کارگر دیگری توسط سرمایه استثمار شده و می شود، اما به پشتوانه دستاوردهای مبارزاتی خود و هم طبقه ای های پیش از خودش هیچگاه به سطح نازلی از زندگی، که متأسفانه نرم زندگی کارگر جهان سومی است تن نخواهد داد. بنابراین کارگر متوقع دنیای غرب باسانی زیر بار تحمیلات پیامدهای بحران اقتصادی جاری نمی رود و می توان پیش بینی کرد که از این پس شاهد کشمکش های وسیعی در سراسر اروپا و آمریکای شمالی خواهیم بود. از هم اکنون کارگران فرانسه و آلمان و فرانسه و ایتالیا و... برای ابراز خشم و اعتراضاتشان بی تاب می کنند.

در ادامه این بحث بلافاصله ممکن است این سوالها بنظر برسد:

۱- آیا بیکار سازیها و دیگر مصایب ناشی از بحران در همان ابعادی که آمریکا و اروپا را زیر ضرب گرفته است، دیگر کشورها و از آنجمله ایران را زیر ضرب خواهد گرفت؟

۲- آیا از سوی کارگران کشورهای غیر آمریکایی و غیر اروپایی از آنجمله ایران علیه بیکار سازیها و دیگر مصایب ناشی از بحران، اعتراضات و مبارزاتی را شاهد خواهیم بود؟

در پاسخ به سوال اول با قطعیت میتوان گفت: دامنه بیکارسازیها در کشورهای غیر آمریکایی و غیر اروپایی اگر بیشتر نباشد کمتر نخواهد بود. این را هم باید اضافه کرد که فلاکت های ناشی از بیکارسازیها در این کشورها به مراتب دردناکتر و خانمان براندازتر است. اگر کارگر اروپایی با از دست دادن کارش بدرجاتی نرم زندگی اش بهم ریخته میشود، کارگر ایرانی و... کل زندگی اش زیر سوال می رود. کارگر اروپایی در بدترین حالت هم مجبور نخواهد شد بچه هایش را از مدرسه بیرون کشد، و وادارشان کند که کنار خیابان واکس بزنند و سر چهار راه ها شیشه اتومبیل ها را پاک کنند و یا با دستان کوچکشان در کوره پزخانه ها خشت بزنند. پیامدهای بحران، بدتر از اینها را هم برای کارگران غیر آمریکایی و غیر اروپایی به ارمغان خواهد آورد!

در پاسخ به سوال دوم هرچند با قاطعیت نمیتوان اظهار نظر کرد، اما امید می رود که با تلاش جدی تر کمونیستها و درس آموزی کارگران این کشورها از جنبش کارگری بین المللی، شاهد جنب و جوش های بیشتری باشیم و کار و معیشت کارگران این مناطق بیش از این در معرض تهدید نباشد.

واقعیت این است که خو گرفتن به پیامدهای ناشی از بحران برای کارگری که روزمره در شرایطی بحرانی زیسته است و هیچگاه از ابتدایی ترین حقوق کارگش برخوردار نبوده و همواره زیر ضرب دیکتاتوری از بی تشکیلی در رنج بوده است؛

برای آن ۱۰۰ میلیون کارگری که هیچگاه سقف دستمزدش از دو دلار در روز تجاوز نکرده است؛
برای آن ۴۰ میلیون کارگری که هیچگاه سقف دستمزدش از یک دلار در روز تجاوز نکرده است؛ بسیار آسانتر از کارگر متشکل و مجرب اروپایی و آمریکایی است که به دستاوردهای صد ساله مبارزاتی خود و پیشینیان هم طبقه اش متکی است.

اما آنچه که روشن است، مبارزات متشکل کارگران کشورهای صنعتی و پیشرفته درس آموزی های گرانبهائی برای کل طبقه کارگر در سراسر دنیا خواهد داشت و اعتماد به نفس هر کارگری را در هر گوشه ای از دنیا برای طرح مطالباتش بیشتر خواهد کرد.

در این میان کارگران ایران که طی دو سه سال اخیر بدرجائی دستاوردهای مبارزات متشکلی را در توشه دارند، بالقوه از آمادگی نسبتاً بیشتری برای مبارزه علیه تحمیلات دوران بحران برخوردارند؛ که باید به همت کارگران آگاه و پیشرو و فعالان جنبش کارگری به فعل درآید.

در جریان این کشمکش های طبقاتی در همه جا و از جمله در ایران که پرچمش را کارگران آگاه و متشکل به دوش خواهند داشت، کمونیستها میتوانند نقش تعیین کننده ای در یک مصاف جهانی علیه کل بورژوازی در سطح کشوری و بین المللی داشته باشند.

اگر بورژوازی برای سر و سامان دادن طبقه خود از همه امکاناتش (بخرج طبقه کارگر) سود می جوید و سران و برنامه ریزان و ایدولوگ هایش گرد هم می آیند و جلسه میگیرند و تصمیم اتخاذ میکنند، چرا نباید کمونیست ها از کلیه امکانات شان بهره گیرند و بجای مجادله های کشدار بی سرانجام و بی فایده درون سازمانی، توش و توان شان را صرف تقویت جنبش کمونیستی و کارگری کنند و پرچم اتحاد کارگران و پیوند طبقاتی آنها را بدوش گیرند؟!!

بورژوازی تصمیم گرفته است خسارات ناشی از بحرانی که خود مسبب آن است با گرو گرفتن کار و زندگی کارگر و اقشار پایینی جامعه سرشکن کند. این وظیفه کمونیست هاست که باید با تلاشی صمیمانه و جدی کارگران را بهم نزدیک تر و صفوف شان را متحد تر کنند و در هموار کردن راه مبارزه متشکل شان برای رویارویی با مصایب تحمیلی پیامدهای بحران و تامین معیشتی بهتر و انسانی نقش ایفا نمایند.

کارگران ایران در این دوره و در تقابل با موج بیکارسازیها، لازم است با صدای رساتری شعار:

کار مناسب یا بیمه بیکاری مکفی برای کلیه آحاد جامعه بالاتر از ۱۸ سال را سر دهند و به صدر مطالبات حداقل کارگری خود ببرند؛ و کمونیستها و فعالان جنبش کارگری وسیع ترین توده کارگران را حول آن بسیج و متشکل کنند.
این وظیفه عاجل و مهم کمونیستهاست که نقش خود را در بسیج و سازماندهی کارگران برای طرح مطالبات همین امروزشان و سرنوشتی جمهوری اسلامی و تدارک یک انقلاب سوسیالیستی ایفا نمایند.

* کشورهای عضو این سازمان کشورهای هاستند که اقتصاد نسبتاً بزرگی دارند و زیرساخت های منسجمی در اقتصاد آنها وجود دارد. کشورهای صنعتی اروپایی و آمریکایی و آسیایی عضو این سازمان هستند و برخی از کشورهای در حال گذاری که اوضاع اقتصادی روبه رشدی دارند نیز به اعضای این سازمان اضافه شده اند. در حال حاضر ۳۰ کشور عضو این سازمان هستند.